

## آثار و نتایج تاسیس مدارس غربی در ساختار آموزشی و پرورشی ایران در دوره قاجار

۱ مرتضی رضایی

۲ امیر اکبری

۳ امید سپهری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

### چکیده

اهمیت آموزش و تربیت و نقش عمده آن در انتقال مفاهیم فرهنگی از نسلی به نسل دیگر بر کسی پوشیده نیست؛ چنانکه تاریخ تاسیس آموزشکده‌ها و مدارس فرنگی در ایران به قرن نوزدهم و عصر قاجاریه بازمی‌گردد. در این دوره مدارس مهمی تحت اشراف کشورهای غربی از جمله فرانسه، آلمان، انگلیس، روسیه و آمریکا تأسیس شد که به عنوان نمونه؛ مدارس فرانسویان (آلیانس و مدرسه لازاریستها) قابل توجه است. سوال اساسی این است که علل اساسی تاسیس مدارس فراوان در دوره قاجار چیست و چه تاثیری در ساختار آموزش و پرورش و نیز جامعه ایران می‌توانست داشته باشد؟ فرضیه مسئله مبتنی بر این است که کشورهای غربی همچون فرانسه، روسیه، انگلیس، امریکا برای جذب نخبگان و سیاستمداران و اجرای سیاست‌های استعماری خود در ایران نیاز به تاثیرگذاری عمیق داشتند که این مهم از طریق تربیت نیروها تحت فرمان میسر می‌شد. بر همین اساس سعی نمودند تا با تاسیس مدرسه این هدف را دنبال کنند. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش مدارس غربی در ساختار آموزشی و پرورشی ایران در عهد قاجار پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بخشی از اثرات چنین مدارسی امکان تحصیل برای دختران اقلیت‌های دینی و جدا کردن آنان از مسلمانان است. همچنین تشویق به حضور بانوان در مدارس و الگو برداری از شیوه‌های تدریس و تدوین کتاب‌های درسی از دیگر اهداف مدارس غربی در کشور است.

**کلیدواژه‌ها:** مدارس غربی، آموزش، پرورش، ایران، دوره قاجار

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول) amirakbari84@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

## مقدمه

تحولات مربوط به زندگی ایرانیان در اواخر دوره قاجار باعث شد تا ایران متأثر از فرهنگ اروپایی مدارس به سبک غربی در ایران تاسیس گردد. تحول در نظام آموزشی کهن و برقراری نظام آموزشی جدید یکی از مظاهر مدرنیسم بود که در ایران دوره قاجار مورد توجه قرار گرفته است. این مدارس از لحاظ ساختار و آموزش‌های رسمی با مدارس قدیمی تفاوت‌های زیادی داشتند. مدارس که تکیه بر آنها بیشتر متکی بر زبان فرانسه بود. در واقع فرانسوی‌ها از پیشگامان فعالیت‌های فرهنگی در ایران بودند.

در عصر قاجاریه کل مدارس ایرانی از ده باب تجاوز نمی‌کرد و تعداد شاگردان آنها نیز از ۱۵۰۰ دانش‌آموز بیشتر نبود. اما کشورهای خارجی در ایران ۱۴۰ مدرسه داشتند که تعداد شاگردان آنها بیشتر از ۵۰۰۰ دانش‌آموز بود. از سویی دیگر تعداد نسبتاً زیادی از رجال، زمامداران و ... هم در همین مدارس درس خوانده بودند. بنابراین سوال اساسی این است که این تعداد مدرسه چه تاثیری در روند آموزشی جامعه ایرانی داشته‌اند؟ آیا می‌توان متصور شد که این حجم از مدرسه در ایران بدون تاثیرگذاری در امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران، به کار خود می‌پرداختند؟ اهمیت پرداختن به چنین موضوعی ما را به این امر رهنمون می‌سازد که شرایط آموزشی و تربیتی کشور ایران در دوره قاجار چقدر متأثر از این مدارس بود و به چه میزان نقش مدارس غربی در روند سیاست‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مردم ایران دخیل بوده است.

بی‌ثباتی حکومت در اواخر دوره قاجار و نفوذ فرهنگی میسیونرهای غرب منجر به ایجاد تحولاتی شده است که بر ساختار کالبدی مدارس تأثیرگذار بودند. در کنار این رخداد، دیدگاه‌های روشنفکران نیز بر ایجاد تحولات آموزشی می‌افزود؛ در واقع یکی از راهکارهای تجددگرایان برای رهایی ایران از عقب‌ماندگی همه‌جانبه، تحول در نظام آموزشی کشور بود. از این منظر باید این موضع مورد توجه قرار گیرد که چگونه مدارس کشورهای غربی در ایران رونق یافت و تأثیرات آموزشی خود را بر نهاد تعلیم و تربیت ایران گذاشت، به ویژه آنکه آموزش یک نسل در انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری بر نسل دیگر مؤثر است. از این روی این پژوهش با روش توصیفی از منابع دوره قاجار و تحلیل و دسته‌بندی نسبت به تأثیرات مهم این مدارس غربی، پرداخته است. به نظر می‌رسد یکی از تأثیرات مهم وجود چنین مدرسی همسوسازی نوجوانان و جوانان با تفکر و فرهنگ غربی و نوعی الگوگیری از نظام غیراسلامی باشد.

### پیشینه پژوهش

تاکنون آثاری چند به تاسیس مدارس غربی در ایران و کارکردهای آن پرداخته‌اند، از آن میان می‌توان به مقاله «چگونگی نفوذ و گسترش زبان فرانسه در ایران، با تکیه بر نقش مدارس (از آغاز دوره قاجار تا جنگ جهانی یکم)»، (۱۳۹۱) پژوهش سلطانیان به علل گسترش زبان و ادبیات فرانسه با تکیه بر نقش مدرسه آلیاس پرداخته است. همچنین رحمانیان و جهانی نیز در مقاله ای به «بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج آن» (۱۳۹۹)؛ اشاره کرده‌اند. مقاله «شکلگیری مدارس فرانسوی در سنج در اواخر عهد قاجار (۱۳۳۱-۱۳۱۰)؛ کارکردها و واکنشها» از مظفری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری مدارس فرانسوی به عنوان یکی از مراکز اقلیتهای مذهبی در ایران پرداخته است. این پژوهش‌ها به صورت عمده به دلایل شکل‌گیری این مدارس در ایران و کارکردهای آن پرداخته است. مقاله فراروی درصدد این است تا با واکاوی کارکردها و اقدامات این مدارس، به تمام تأثیرات و نتایج ملموس آن‌ها در نظام آموزشی؛ به ویژه در اندیشه دانش‌پژوهان در آن دوره اشاره کند.

### چارچوب نظری

تعلیم و تربیت از جمله نهادهایی است که در زمینه تأثیرپذیری و حتی تأثیرگذاری بر جریان‌های اجتماعی، حوزه گسترده‌ای را پیش رو می‌نهد. از اواخر قرن هجدهم تا اوئل قرن بیستم اندیشه‌های فکری کانت، هگل، اسپنسر و... بر تعلیم و تربیت اثر داشت. اما اندیشه «عملگرایی دیویی» در قرن بیستم تنها تکیه‌گاه انسان را و تعلیم و تربیت را عین زندگی می‌دانست. در قرن بیستم به دلایل سیاسی و اجتماعی نظریه رشد و انتقال پدید آمد. در این قرن نظریه تعلیم و تربیت اگزیستاسیالیستی-قائل به فردیت، آزادی، حق انتخاب و ماهیت‌سازی انسان بود-چارچوب تحلیل-پژوهشی نظام تعلیم و تربیت غرب شد(پاک‌سرشت، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۴). اما نظریه پس مدرنیسم نظریه‌ها و دیدگاه‌های تربیتی را متأثر می‌سازد. در این نظریه، جهان‌نگری به شدت نسبت‌گرایی مورد نظر است که در آن به تفاوت‌ها و تمایزات بها داده شده و برنامه‌ریزی‌های تربیتی غیرمتمرکز شوند؛ به محرومان و اقلیت‌ها از هر نوع که باشند: قومی، زبانی، فرهنگی، جنسیتی و... توجه شود (همان، ۱۳۷). در چنین وضعی علم به عنوان چشم‌انداز اهداف سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد. تنها ماهیت ارزش‌های مدرنیته، مقتضی محمل‌های غیرنظامی برای انتقال آنهاست، بلکه تثبیت این ارزش‌ها در روح و اندیشه قافله استعمارزدگان با کمک نظام تربیتی و تبلیغی از پایایی و دوام بیشتری

برخوردار است. مدرسه می‌تواند مردم کشورهای دیگر را با هنجارهای سرمایه‌داری غرب، هنجارمند کند و «... نوع بزرگ‌سالانی را که [جامعه صنعتی غرب] به آن نیاز داشت، تولید کند...» (تافلر، ۱۳۷۲: ۱/۴۱۲).

به طور خلاصه، مدرسه کارکرد استعماری گرفته که عبارتست از: ۱. حذف و تلخیص فرهنگ و تاریخ بومی به‌نحوی که متناسب با نگرش مستعمرین باشد، ۲. ایجاد اشتیاق نسبت به مظاهر فرهنگ و تمدن غربی، ۳. تحقیر آداب و رسوم، زبان بومی و شیوه زندگی ملی ۴. تلفیق ضرورت تقلید از الگوهای دانش غرب ۵. ایجاد تردید درباره توانمندی‌های خودی و نوآوری‌های داخلی ۶. نظارت بر دگرگونی‌های اجتماعی و کنترل نظم اجتماعی ۷. پرورش نیروی کار منضبط وقت‌شناس و هنجارپذیر که تابع و مطیع دیوان سالاری باشد و به علایم و اشاره‌های اجتماعی شرط شده و از نقد و نوآوری یا سرکشی گریزان است (رک مارشال، ۱۳۷۵: ۲۱۵).

به این ترتیب، نظام سرمایه‌داری جهانی، برای انتقال ایده‌ها و ارزش‌های خود، از جوامع صنعتی غرب به جوامع سنتی، نیاز به تغییر و تحول نظام‌های تربیتی جوامع سنتی دارد. تحول نظام‌های تربیتی جامعه‌های سنتی مستلزم زمینه‌سازی اجتماعی است که تاسیس مدارس در راس آن بوده است.

### ساختار نظام آموزش در دوره قاجار

نظام مکتب‌خانه‌ای، نظام آموزش سنتی در ایران دوره قاجار بود. مکتب‌خانه‌ها به دو شیوه عمومی و خصوصی اداره می‌شدند. مکتب‌خانه خصوصی برای فرزندان طبقات اشراف و اعیان بود. این مکتب‌خانه‌ها عمدتاً در خانه اغنیا و با بهره‌گیری از اساتید ممتاز برپا بودند. آموزش‌های مکتب‌خانه‌ای در عصر قاجار نیز دوره‌ای کوتاه داشت. بسیاری از کودکان در بهترین حالت بعد از سه یا چهار سال آموزش، با فراگیری خرده سواد مکتب را رها می‌کردند. بعد از آن، پسران وارد محیط کار می‌شدند. دختران نیز در همان سنین کودکی ازدواج می‌کردند (رایس، ۱۳۸۳: ۹۷). در مکتب‌خانه‌ها حتی مهارت نوشتن آموزش داده نمی‌شد و همه چیز شفاهی بود. لذا به قلم و کاغذ و ابزارهای دیگر نیازی نبود. حتی برخی معلمان این مکتب‌خانه‌ها، نیز از مهارت نوشتن محروم بودند.

نوع عمومی مکتب‌خانه‌ها نیز برای توده مردم بود. مکان این مکتب‌خانه، عمدتاً مساجد و یا خانه معلمان بود. به‌طور کلی، آموزش در مکتب‌خانه‌ها با روش سنتی بود. هدف غایی آموزش مکتب‌خانه‌ای؛ صرفاً خواندن و نوشتن بود که برای ارتباط دربار یا بازار به کار آید. خانواده‌ها

چیزی فراتر از آن نمی خواستند. با چنین انتظاری از آموزش، دانش‌آموزان در مکتب‌خانه‌ها نه با ریاضی و علوم و نه با جغرافی و مطالعات اجتماعی آشنا می‌شدند. همچنین چندان مهارت‌های زندگی را نمی‌آموختند و از فرهنگ و هنر چیزی در نمی‌یافتند، به همین دلیل از آموزش‌های مدرن خبری نبود.

تا زمانی که ایران با تمدن مغرب زمین رو به رو نشد، متوجه ضعف‌های عمیق آموزش مکتب‌خانه‌ای خود نگردید. پس از جنگ‌های ایران و روسیه اوضاع دیگری بر کشور حکم‌فرما شد؛ آموزش نیز از این شرایط مستثنی نبود. در اواخر دوران فتحعلی شاه جامعه ایران درگیر جنگ‌های چندساله (۱۱۸۴ تا ۱۱۹۲ و ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶) با قوای روس شد که فرجام آن برای ایرانیان، تحمیل عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمانچای بر ایرانیان بود. از خلال همان جنگ‌های ایران و روسیه بود که نخستین جلو‌ه‌های عقب ماندگی شدید ایران از کشورهای قدرتمند به خوبی خود را نشان داد، آن هم در قالب سخت‌ترین شکل ممکن یعنی ورود امپریالیسم نظامی به سرزمین‌های ایران. شکست‌های پیاپی ایران در دوران قاجار در جنگ با روسیه، روشنفکران و فرهیختگان این عصر را به تفکر در یافتن دلایل عقب‌ماندگی ایران در شکست از روسیه واداشت. بعد از این وقایع، به تدریج اندیشه توسعه و پیشرفت برای ترمیم این عقب‌ماندگی در میان حاکمان و روشنفکران ایرانی به طور جدی مطرح شد. به اعتقاد برخی، این دوران را می‌توان آغاز بیداری ایرانیان و دوران تجددخواهی در جامعه ایرانی قلمداد کرد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۲۲).

قاجارها برای جبران این عقب‌ماندگی روی به اروپا آوردند؛ اما در مرحله نخست استفاده از علوم و فناوری اروپا به رفع عقب‌ماندگی‌های نظامی ایران محدود شد. بازگشت این محصلین و در کنار آن روشنگری‌های برخی از روزنامه‌ها، از عوامل مؤثر برای روی آوردن دولت قاجار به ایجاد مدارس جدید بود. در این دوره با پیدایش علوم جدید، مدارس سنتی در ایران به اشاعه و جذب این علوم چندان رغبتی نشان ندادند؛ اما این علوم مخاطبان خود را داشتند و روزه روز بر پیشرفت آن‌ها افزوده می‌شد؛ ابتدا به همت امیرکبیر مدرسه دارالفنون (۱۲۳۰ ق) در تهران بنا نهاده شد و پس از آن در تبریز و اصفهان مدارس جدید به راه افتاد. نخستین مدرسه به شیوه امروزی با همت میرزا حسن خان رشديه در ۱۲۵۴ هجری قمری در ارومیه و در سال بعد در تبریز کار خود را آغاز کرد.

حضور این مدارس در اواخر دوران قاجار، نه تنها کیفیت آموزشی در ایران را دگرگون کرد بلکه فراتر از آن، ایدئولوژی‌های آموزشی در ایران را نیز دستخوش تغییر کرد. تا پیش از ظهور

مدارس جدید، وظیفهٔ مکتب‌خانه‌ها آموزش الفبا در حد خواندن متون و در کنار آن آموزش شرعیات بود. هدف آنها عمدتاً توسعهٔ ارزشهای دینی و تثبیت آنها در اذهان کودکان ایرانی بود، ولی دغدغهٔ مدارس جدید، توسعهٔ مهارتهایی برای ارتقای زندگی مادی بود. مهارتهایی مانند ریاضی، جغرافی، طب، زبانهای خارجه و امثال آن. به همین دلیل، ظهور مدارس جدید در ایران با مخالفت‌های شدید و سنگینی روبه‌رو شد، زیرا چنین تصور می‌شد که گسترش مدارس در جامعه منجر به گسترش سکولاریسم در بین کودکان و نوجوانان می‌شود و ایرانیان به تدریج دین خود را از دست می‌دهند. مخصوصاً که این مدارس جدید غالباً سوغات کشورهای اروپایی و مسیحی در آن دوران بودند که به تدریج وارد ایران می‌شدند. با چنین سطحی از تعارض ایدئولوژیک، توسعهٔ مدارس در ایران با سختی‌های بسیاری همراه می‌شد؛ به طوری که اولین بنیان مدارس جدید در ایران، افرادی مانند میرزا حسن رشديه، تکفیر شدند و ریختن خونشان حلال می‌شد تا مبادا دین مردم با تأسیس این مدارس بر باد رود.

در دورهٔ ناصرالدین شاه و با ظهور فرقهٔ بابیه، طرفداران این آیین جدید از آموزش و تحصیل زنان حمایت می‌کردند. این در حالی بود که علمای دینی و تودهٔ مردم مذهبی با طرفداران فرقهٔ بابیه در آن دوران، به عنوان افراد بی دین یا مرتد به شدت برخورد می‌کردند. بابیان در میان تودهٔ مذهبی در ایران بسیار منفور بودند. حتی در موارد متعددی درگیری‌های خونین با ایشان پیش می‌آمد. در این شرایط، بسیاری از بابیان به زندگی مخفی و پنهان کردن عقاید خویش روی آوردند، لذا هر کسی که از آموزش مدرن و تأسیس مدارس جدید برای کودکان حمایت می‌کرد، به راحتی انگ بایی و یا ارتباط با بیگانگان می‌خورد (ناهدی، ۱۳۷۰: ۱۶).

### مدارس غربی در ایران

مدارس خارجی که در ایران تاسیس شده اند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ نخست، مدارس که مستقلاً توسط مبلغان مسیحی در ایران ایجاد شدند. دوم مدارس نظامی که توسط ایرانی‌ها راه اندازی و وسط متخصصان خارجی سازماندهی شدند.

### مدارس فرانسوی

برقراری روابط سیاسی و اجتماعی میان فرانسه و ایران و در پی آن حضور مبلغان مسیحی فرانسوی در ایران به اصفهان و دوران حکومت صفویان باز می‌گردد. موقعیت و اهمیت شهر اصفهان، و وجود محلهٔ مسیحی نشین جلفا از عواملی است که باعث توجه مبلغان مسیحی

به این شهر شده است. در این دوران، مبلغان درپی گسترش نفوذ فرانسه از طریق تبلیغ آموزه‌های دینی بودند (کجباف و دهقان نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۷). فرانسویان، برخلاف دولت‌های روس و انگلیس که نفوذشان در ایران بر مبنای نفوذ در عرصه سیاسی بود، فعالیت خود را بر مبنای فرهنگی قرار دادند.

از زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۳-۱۱۷۶) درپی این روابط سه نهاد آموزشی فرهنگی فرانسه که با اهداف جهانی در پاریس طراحی و بنیانگذاری شده بودند، به تدریج برای بسط آموزشهای مذهبی و تبلیغات دینی در میان جمعیت مسیحیان ایران وارد این کشور شده و بدین شکل اولین نهادهای آموزشی و مدارس غربی در ایران به وجود آمد (سلطانیان ۱۳۸۹: ۵۷) میسیونرهای لازاریست از دوره ی محمد شاه (۱۲۱۴-۱۲۲۸) نهادهای آموزشی خود را در ایران به پا کردند، آنها وابسته به کلیسای لازاریست فرانسه و نیز تابع کلیسای رم بودند و هدف اصلیشان آموزش‌های مذهبی به جمعیت مسیحیان ایران بود. فرقه «خواهران نیکوکار» چون اساس کار آنها فعالیت‌های فرهنگی بود، به ساختن مدارس و مراکز علمی پرداختند. فعالیت گسترده آنها سبب شد تا به سرعت در تهران، تبریز، سلماس، ارومیه، اصفهان و بوشهر، مدارس ویژه‌ای دایر گردد. از نمونه این مدارس می‌توان به مدرسه سن ژان دارک، مدرسه دخترانه سن ژوزف در محله ارمنیان دروازه قزوین تهران اشاره کرد. همچنین یکی از مدارس مهم خارجی را یک کشیش فرانسوی به نام اوژن بوره سال ۱۲۵۵ ق در تبریز ایجاد کرد (سرمد، ۱۳۷۲: ۷۷). این مرکز آموزشی بسیار مورد استقبال قرار گرفت به حدی که بوره مجبور شد عده‌ای از داوطلبان را نپذیرد. به همت و تلاش بوره، لازاریست‌ها مدارس بسیاری را در ایران به ویژه در آذربایجان بنا نهادند. در تهران نیز نخستین بار و در سال ۱۲۷۷ ق مدرسه مشهور «سن لویی» تأسیس شد.

در دوره ناصری فرانسویان در تهران کلیسا و چند مدرسه تأسیس کردند. از مهمترین آنها، مدرسه آلیانس بود (دالمانی، ۱۳۷۸: ۲۲۴). مقدمات تشکیل این شعبه در ایران که یهودی بودند، هنگام نخستین سفر ناصرالدین شاه به پاریس در سال ۱۲۸۹ ق فراهم شد. کارشکنی‌های دولتمردان مبنی بر انقلابی و مذهبی بودن آلیاتی سبب اعلام ممنوعیت برپایی مدارس توسط ناصرالدین شاه شد و بدین ترتیب مدارس لازاریست‌ها با چنان پیشینه درازی خود الگویی شدند برای ایرانیانی که در پی برپایی مدارس نوین به سبک فرنگ بوده‌اند (سلطانیان ۱۳۸۹: ۵۹). مدرسه دخترانه سن ژوزف توسط فرانسویان در تهران تأسیس شد. محصلان ارمنی این مدرسه بسیار زیاد بود و یادگیری خیاطی، اطوکشی، خانه‌داری، زبان

فرانسه و... جزو الزاماتی بود که در این مدرسه آموزش داده می‌شد. ناصرالدین شاه به این مدرسه اعانه پرداخت کرده است (اوبن، ۱۳۶۴، ۷۴). در این مدارس نیز علاوه بر فرزندان اروپاییان، به تدریج برخی دختران ایرانی که عمدتاً از اقلیت‌های دینی بودند، توانستند به تحصیل بپردازند (ناهدی، ۱۳۶۰: ۱۴). در آن دوران این مدارس مدرن چندان توسعه و گسترش نمی‌یافتند، چرا که اقلیت‌های مذهبی به عنوان مشتریان اصلی این مدارس، جمعیتی محدود داشتند و همچنین کودکان مسلمان نیز عمدتاً حق ورود به این مدارس را نداشتند و از طریق نظام مکتب‌خانه‌ای آموزش می‌دیدند.

### مدارس آمریکایی

اولین دبستان‌های مدرن به شکل امروزی در ایران به وسیله میسیونرها یا همان مبلغان مذهبی از آمریکا، انگلیس و فرانسه تأسیس شدند. نخستین مدرسه خارجی را یک کشیش آمریکایی به نام پرکینز در ارومیه ایجاد کرد. برای اولین بار چندین مبلغ مذهبی آمریکایی در سال ۱۸۳۵ مطابق با ۱۲۱۴ ش، دبستانی چهارکلاسه در ارومیه تأسیس کردند (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۸۰). هدف این مدارس هم آموزش مدرن بود و هم تبلیغ مسیحیت. به همین دلیل وقتی آمریکاییها قصد داشتند علاوه بر ارومیه، مدرسه‌ای دخترانه در تهران تأسیس کنند، دولت وقت صرفاً به این شرط با تأسیس مدرسه آمریکایی موافقت کرد که مسئولان این مدرسه هیچ دختر مسلمانی را ثبت نام نکنند (ناهدی، ۱۳۶۰: ۱۴) میسیون آمریکایی در سال ۱۸۷۳م مدرسه‌ای در تهران ایجاد کرد که بعدها به کالج آمریکایی معروف شد، این مدرسه که بعدها کالج البرز نام گرفت در تحول مدارس متوسطه در ایران نقش بسیار مهمی به عهده داشت و در طول ۵۰ سال چند نسل از بهترین شاگردان را تربیت نمود. در نهایت به سال ۱۸۸۶م مدرسه دخترانه آمریکایی نیز شروع به کار کرد که واقعه مهمی بود (رحمانیان و جهانی، ۱۳۹۹: ۹۱). از مهمترین مدارس دخترانه آمریکایی در ایران مدرسه متوسطه فرانکو پرسیان می باشد که در آغاز در خانه یوسف خان ریشار (مؤدب الملک) بود. در سال ۱۹۰۵م انجمن تربیتی ایران و آمریکا در تهران پا گرفت.

### هیئت‌های کاتولیک انگلیسی و تأسیس مدارس

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی شمار زیادی از میسیونرهای مسیحی جهت تبلیغ دین مسیح رهسپار کشورهای غیرمسیحی شدند. این میسیونرها هر کدام به یک گروه یا میسیونری تعلق داشتند و هدف اصلی آنها ترویج دین مسیح و رساندن پیام آن دین به تمام بشریت بود. کانون توجه مبلغان مسیحی در هنگام ورود به ایران عمدتاً مناطق غیر مسلمان‌نشین



بود، چرا که نه تنها احتمال رسیدن به اهدافشان در آن مناطق بیشتر بود، بلکه از مشکلات و ممنوعیت‌های تبلیغ در میان مسلمانان نیز به دور بودند (ثنایی و رسولی، ۱۴۰۱: ۵۱). فعالیت میسیونری انگلیکن بریتانیا عمدتاً در شهرهای جنوبی اصفهان، کرمان، یزد و شیراز متمرکز بود.

نخستین بار، در اوایل قرن چهاردهم ه.ش. (قرن بیستم م.) امکان تأسیس مدرسه در اصفهان توسط هیئت‌های کاتولیک انگلیسی به وجود آمد و در ادامه دو مدرسه پسرانه و دخترانه در اصفهان تأسیس شد. کارمندان این مدارس را معلمان خارجی، که مدتی کوتاه استخدام شدند، و عده‌ای از معلمان ایرانی تشکیل می‌دادند. فعالیت این گروه به خاطر اقدامات روس‌ها و امریکایی‌ها که سرمایه بیشتری داشتند و به شاگردان کمک هزینه می‌دادند، به تدریج کم شد (ناطق، ۱۳۸۰: ۴۷). دو مدرسه به نام «ادب» و «بهشت آیین» توسط میسیونرهای انگلیسی در اصفهان بنا نهاده شد. مدرسه ادب به سال ۱۲۴۹ش توسط دکتر «بروس» به سبک کلاسیک و مدرن غربی بنا نهاده شد.

دسته دیگری از مبلغان مسیحی انگلیسی بودند که به تأسی از اهداف مدنظرشان، در شهرهای ایران به تأسیس مدرسه توجه کرده بودند. جمعیت مرسلین انگلیسی در بسیاری از شهرهای ایران به تبلیغات دینی و فعالیت‌های پزشکی و آموزشی مشغول بود. دبیرستان دخترانه بهشت آیین نیز در دوره مظفرالدین شاه به عنوان نخستین دبیرستان دخترانه اصفهان توسط «هیات مرسلین انگلیس» تأسیس شد. این گروه به عنوان مبلغ مذهبی انگلیسی در سال ۱۲۷۹ش دست به این اقدام زدند (رک معتمدی، ۱۳۸۶: ۶۴-۲۶). این جمعیت در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق/۱۲۸۳ش، چند مدرسه به نام استوارت مموریال کالج ابتدا در اصفهان و سپس در شیراز و یزد و کرمان تأسیس کرد.

### مدارس آلمان‌ها

میسیونرهای آلمانی (در قالب هیئت میسیونری بازل) نیز همچون میسیونرهای فرانسوی در میان مسلمانان فعالیت می‌کردند. هیأت میسیونری بازل، اولین انجمن پروتستان بود که کار خود را در ایران آغاز کرد. «فردریش هاس» که عضو این هیئت بود، در سال ۱۸۳۳م/۱۲۴۹ق در شهر تبریز مدرسه کوچکی برای آرامنه افتتاح کرد. هاس در همین سال علاوه بر آرامنه، تعدادی ایرانی (مسلمان) را نیز در مدرسه خود پذیرفت. عباس میرزا و

محمدشاه نیز نزد هاس تحصیل می‌کردند (ر.ک والدبورگر ۱۳۷۹، ۱۰۰-۱۵۳). میسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان نیز در حوالی سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م وهمسرش جهت تاثیرگذاری بر کردها و کشاندن آنها به سوی مسیحیت به ساوجبلاغ آمدند. همراه این میسیون یک پزشک و چند نفر دیگر از جمله معلم جوانی بودند بر اهمیت فعالیت آموزشی آنها گواهی می‌دهد. نحوه فعالیت این میسیون با میسیون‌های قبلی فرق داشت. آنها از همان ابتدای ورودشان سعی در یادگیری زبان کردی داشتند و به «واعظی و معلمی و طبابت» پرداختند. آلمان‌ها در ابتدای مشروطیت مدرسه «پطروس» را با حمایت دولت‌مردان ایرانی تاسیس کرد.

### تاثیرگذاری تاسیس مدارس غربی بر ساختار آموزشی

#### تأثیرات دینی و فرهنگی

بی شک از اولین تأثیرات وجود مدارس، تغییر نگرش فکری و فرهنگی است. وجود مدارس خارجی متعدد در دوره قاجاریه به ویژه مارس فرانسوی که هدف نخستین آنها ترویج عقاید مسیحیت و اقدامات فرهنگی بوده است، تأثیرات دینی و فرهنگی نیز بر دانش‌آموختگان و ساختار آموزشی مدارس ایرانی نیز داشته است.

#### الف) ترویج مسیحیت و فرهنگ غرب

مدرسه‌های خارجی و اقدامات مسئولان آن را تلاش برای تبلیغات مسلکی و مذهبی و تا حدود زیادی مضر به حال ملک و ملت بود، زیرا تنها فایده چشمگیر آن در تاثیر ضمنی این مدارس و تعلیمات آن در بیداری افکار محصلان و تا حدودی والدین و اطرافیان آنان خلاصه می‌شد (سرمد، ۱۳۷۲: ص ۸۰). از همین روی مخالفت با مدارس جدید دلایلی داشت که یکی از مهمترین آنها این بود که تا پیش از این، مدارس ابتدایی مدرن صرفاً توسط میسیونرهای مذهبی در ایران تاسیس می‌شد که در نگاه عامه مردم هدف از تاسیس این مدارس، ترویج و تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانان بود. به همین دلیل، نگاه مردم به این مدارس جدید منفی بود و فرزندان خود را به این مدارس نمی‌فرستادند. در هر صورت یکی از اهداف والای نظام آموزشی غرب را باید در گسترده کردن فرهنگ غرب در میان تمام ملل دنیا از جمله ایران دانست. آنها برای نیل به این هدف سعی کردند تا دست به تاسیس مدارس متعدد بزنند. مدارس متعدد به مرور زمان می‌توانستند فرهنگ و عقاید کشورهای متبوع خود را در اذهان مردم رسوخ دهند. کانون الیاس فرانسه در اهداف خود نوشته است: «هر آنکه به زبان فرانسه روی آورد، به راه و رسم فرانسوی نیز روی خواهد آورد، و رویکرد به خلق و خوی

فرانسوی، روی آوری به فراورده‌های فرانسوی خواهد بود...» (ناطق، ۱۳۸۰: ۸۳). بی‌شک تلاش برای ترویج فرهنگ و تمدن فرانسه، درهای مدارس آلیانس را به روی عموم گشود. جذب بی‌شمار کودکان حتی در مناطق کردنشین، آن هم در فضایی که هنوز باورهای مذهبی در دفاع از آموزش مکاتب سنتی پررونق بود (رک اوین، ۱۳۶۴: ۳۴۵)، بیانگر دستاور مهم و تاثیرگذاری فراوان آن در نظام آموزشی و تربیتی ایران بوده است. فرانسویان به وسیله میسیونر بوره پا را فراتر نهادند؛ در اصفهان هدف خویش را دنبال کرده و در جلب دانش‌آموزان مسلمان و ارمنی بسیار کوشیدند. بوره مبانی اسلام را ناشی از جهل و خرافات می‌دانست و می‌گفت: «...باید با دلیل و منطق، عقاید پوچ و خرافات مذهبی محمد(ص) و اشتباهات و عیوب مذهب عیسویان معتزلی را برطرف ساخت...» (فلاندن، ۱۳۲۴: ۷۰). از این روی فرانسویان از طریق مدارس خود، بر نظام فکری و تربیتی دانش‌آموزان ایران تأثیر می‌گذاشتند.

عقیده میسیونرهای مسیحی در مدارس آمریکایی نیز از ابتدا مبتنی بر این بوده است که برای «تهیه موجبات پیشرفت و تعالی یک ملت باید زنان و مردان آن را از برکات آموزش و پرورش مسیحی برخوردار ساخت» (الدر، ۱۳۳۳: ۱۳) آنان علاوه بر کارهای معمول خود، تلویحا در مورد ایالات متحده آمریکا به عنوان سرزمین موعود تبلیغ می‌کردند (ایران و جنگ جهانی اول، ۱۳۸۰: ۳۹۴). آمریکا با این رویکرد، نگرش مثبتی بر ذهنیت ایرانیان نسبت به خود جلوه دادند؛ منشأ این نگرش؛ اقدام میسیونری‌ها در ایجاد مدارس و ترویج نظام آموزشی به سبک آمریکا بود. این انجمن‌ها یکی از اصلی‌ترین مبانی فعالیت‌های خود را تاسیس مدارس و آموزش جوانان مسلمان و انجام خدمات انسانی و در ظاهر بشردوستانه قرار داده بودند؛ زیرا میسیونرها اعتقاد داشتند که با آموزش مسلمانان و تلقین دانش اروپایی به آنان برطبق اعتقادات خودشان و نیز ابراز علاقه و محبت به مردم رنج‌دیده شرق می‌توان دیدگاه جامعه اسلامی را درمورد تعالیم مسیحیت بازتر و انعطاف‌پذیرتر کرد (کجیاف و دهقانیان، ۱۳۸۷، ۲۴۶).

ب) جذب و تربیت دختران در جهت تغییر عقاید و رفتارها:

این نکته قابل توجه است که تاسیس و مجوز مدارس دخترانه از دستاوردهای انقلاب مشروطه و چه بسا قبل از آن بود. اما آوازه برخی از مدارس خارجی سبب شد تا در جامعه مذهبی ایران، برخی از دختران برای حضور در این مدارس تمایل نشان دهند. حضور دختران در اینگونه مدارس می‌توانست علاوه بر تغییرات نگرشی، در نوع فراگیری علوم و حتی تقییدات مذهبی تاثیرگذار باشد.

در زمان محمدرضا شاه مجوز فعالیت مدارس نوین صادر گردید. به مرور زمان مجوز تشکیل یک مدرسه دخترانه در تهران صادر شد و تنها به شرط آن که دختران مسلمان در آن راه پیدا نکنند. اما تلاش فرانسویان بر جذب دختران به عنوان یک هدف مکتبی بیشتر از همه بود؛ جوان «... بانوان تأثیر عجیبی در دختر و پسر کوچک و بزرگ حتی دهساله‌ها دارند برای ما ارزش فراوان دارند...» آنان همچنین می‌گفتند که «...هیئت‌های تبشیری باید کوشش‌های خود را بین زنان مسلمان مصرف نمایند؛ زیرا زنان وسیله مهمی برای تسریع مسیحی نمودن ممالک اسلامی هستند...» (خالدی، ۱۳۵۱: ۲۶۹). آنچه مشخص است دولتمردان فرانسوی و مبلغان مذهبی اتکای خود را بر آموزش و پرورش جوانان و نونهالان ایران قرار دادند و کوشیدند دلیل عقب‌ماندگی و فقر ایرانیان را به دین اسلام نسبت دهند. بر همین مبنا لازاریست‌ها، مدارس خود را در شهرهای مختلف ایران دایر کردند و به آموزش دختران مسلمان و مسیحی ایران پرداختند و از این طریق در نظام آموزشی دخالت کردند.

در زمان ناصرالدین شاه که نوگرایی به سرعت در حرکت بود به درخواست بنجامین «وزیر مختار آمریکا» مجوز دخول دختران مسلمان به مدرسه آمریکایی‌ها صادر گردید. روشن است که مدرسه‌های اروپایی با وجود نیت‌های مذهبی باعث تحرک در ایران گردید و دو تفکر؛ یعنی تفکر سنتی و مدرن را ایجاد کردند. در زمانی که خروج دختران از خانه به هر دلیلی در نزد عموم مردم غیرقابل قبول بود، طرح مسأله آموزش دختران بسیار غامض می‌نمود. اما بسیاری از روشنفکران با الهام از تجارب عملی غرب و وجود مدارس جدیدی را در تهران تاسیس کردند.

از دیگر ویژگی‌هایی که به عنوان ضامن نتیجه بخش بودن سیاست‌های آمریکای در امر آموزش شمرده شده، عدم تبعیض جنسیتی در این کشور بود که کلیه پسران و دختران را مشمول بهره‌گیری از مزایا و تسهیلات آموزشی می‌کرد. این سیاست، در مدارس آمریکایی‌ها در ایران نیز پیگیری می‌شد و مسئله آموزش به دختران و اهمیت آن به شدت در ایران انعکاس پیدا کرد و مدتها مورد بحث بود. تأثیر چنین رویکردی سبب شد تا در جامعه ایران، آموزش به دختران و زنان عاملی در پیشرفت آمریکا و عقب‌ماندگی ایران به شمار آید (بهار، ۱۳۲۸: ش ۲، ۱۱۰-۱۱۱). بر همین اساس در نظام آموزشی دختران ایران دگرگونی رخ داد و از سال ۱۸۹۶م (۱۲۷۵ش) اکثریت محصلین آموزشگاه‌های آمریکایی را دختران مسلمان تشکیل می‌دادند (الدر، ۱۳۳۳: ۳۸) در سال ۱۹۰۵، ۱۴۵ دختر در مدرسه آمریکایی تهران وجود داشت و در سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ عده کثیری دختران ایرانی و

مسلمان از این مدارس مجهز و مدرن آن روز فارغ التحصیل شدند. از این روی بود که هر خانواده‌ای آرزومند آن بود که به هر ترتیب که شده بتواند فرزندانش را به کالج آمریکایی‌ها بفرستد (رامتین، ۱۳۴۱: ۲۸-۳۵).

### تأثیرات علمی

الف) گسترش زبان و ادبیات خارجی در میان مدارس:

اولین تاثیری که مدارس خارجی به دنبال آن بودند تا بر نظام آموزشی ایران بگذارند؛ گسترش زبان و ادبیات کشور متبوع خود بوده است. در زمان محمد شاه مدارس مذهبی لازاریست‌های فرانسوی، در شهرهای بزرگ رویکردی عرفی به خود گرفت و به آموزش علوم، زبان و ادبیات فرانسه و دیگر زبان‌های اروپایی روی آورد (Naraghi, 1992, 93)، در این دوره به دستور محمدشاه این گروه از فرانسویان در تأسیس مدارس علوم و تربیت اطفال و... آزاد بودند (اقبال، ۱۳۲۵: ۶۵). در دوره ناصری آموزش زبان فرانسه یکی از مهم‌ترین علوم دربار و مدارس دولتی شد (کجباف و دهقان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۱). این امر سبب شد تا آموزش زبان خارجی خصوصاً فرانسوی جزوی از نگرش پیشرفت‌گرایی به شمار آید، چنانکه طالبوف راه برون‌رفت از بن‌بست سیاسی و فرهنگی و پیشرفت را ایجاد مدارس نوین و آموزش زبان‌های فرهنگی می‌دانست (آدمیت، ۱۳۶۳: ۸۰).

ب) الگو سازی نظام تعلیمی:

مدارس خارجی در پی ایجاد بستری برای ساختار آموزشی ایران بودند تا مدارس خود را بر مبنای نظام آموزشی غرب بنا کنند. رهیافت چنین اثری را باید در گزارشهای که در مورد مجموعه مدارس آلیانس وجود دارد، جست‌وجو کرد. مدرسه آلیانس تهران در سال ۱۳۲۷ ق تعدد به شماری شاگرد داشت که بیشتر آن مسلمان بودند و ساختار این مدرسه بر مبنای نظام و برنامه مدارس فرانسه بنا شده بود (Bulletin, 1911: 199). مجموعه‌های آمریکایی نیز همین رویکرد را در پیش گرفتند؛ فعالیت‌های انجمن ملی ایران و آمریکا و گزارشهای سفرای ایران در ایالات متحده نشان می‌دهد که آنها توانسته‌اند تصویری از نظام آموزشی آمریکا در جامعه ایران ارائه کنند و تاثیرات زیادی بر جامعه دوره قاجار به جای بگذارند، به نحوی که بسیاری به این اعتقاد رسیدند که پیشرفت جامعه ایران در گرو پیروی از سیاست‌های علمی و آموزشی آمریکا (رحمانیان و جهانی، ۱۳۹۹: ۸۱) و الگوپذیری از آنها است.

ج) دخالت در تشکیل برنامه درسی برای دانش آموزان ایرانی:

ترویج زبان خارجی در مدارس غربی جزو برنامه‌ها و مواد درسی آن به شمار می‌رفت. «اوژن بوره» به عنوان یک فرانسوی فعال بود با هزینه خود در تبریز مدرسه خارجی بنا کرد. در ابتدا این مدرسه دارای ۳۰ شاگرد مسیحی و مسلمان بود که به زبان فرانسوی تکلم و اصولی از ریاضیات و جغرافیا فرا می‌گرفتند (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۹۸). ضرورت فراگیری زبان‌های خارجه به عنوان یک ماده درسی جزو تفکرات برخی از روشنفکران دوره قاجار همچون یحیی دولت‌آبادی بود. برخی از آنان به صراحت راه پیشرفت و دستیابی به علوم جدید را در «ناگزیری از فراگیری زبان‌های خارجی» می‌دانستند (فنون، ۱۳۱۱: دیباچه). از این روی مدارس خارجی از این فرصت و شرایط استفاده و برای گسترش زبان خارجی به عنوان یک ماده درسی در ساختار آموزشی مدارس ایران تلاش کردند. گسترش چنین تفکری سبب گردید که آموزش زبان خارجی در مدارس ایران به عنوان یک برنامه درسی رواج یابد و این خود از تاثیرگذاری مدارس خارجی بر برنامه‌ها و ساختار مدارس ایرانی بود. در میان این مدارس، دارالفنون به عنوان یکی از مدارس نوین و مدرسه سپهسالار زبان خارجی به ویژه فرانسوی را آموزش می‌دادند، حتی در مدرسه سیاسی که توسط مشیرالملک (۱۳۱۳ق) بنا نهاده شد بود، آموزش زبان فرانسوی جزو برنامه‌های احباری به شمار می‌رفت (آدمیت، ۱۳۵۶: ۴۵۶).

د) اشاعه متون خارجی در مدارس و جامعه ایران:

با رشد و گسترش مدارس خارجی و از سویی دیگر، اشتیاق به فراگیری زبان خارجی، زمینه برای رشد آثار ترجمه شده نیز در میان محصلان و جامعه روشنفکر و حتی سیاستمداران پدید می‌آمد. در زمینه ترجمه، دارالفنون بیشترین نقش را در ترجمه کتابهای اروپایی به زبان فارسی ایفا کرده است. نه تنها تمام استادان اروپایی ملزم به ترجمه کتابهای موضوع تدریس خود به فارسی برای ارائه در کلاس بودند که حتی استادان ایرانی دارالفنون نیز از این قاعده مستثنا نبودند و باید کتابهایی را که مطالعه می‌کردند و از زبان مرجع به زبان فارسی برمی‌گرداندند. بدین ترتیب بود که امر ترجمه دامنه وسیعی در پایتخت و شهرهای حومه پیدا کرد (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰) به عنوان نمونه ناصرالدین‌شاه به زبان فرانسه به اندازه‌ای که برای خواندن روزنامه‌ها کافی بود، آشنایی داشت. او یادگیری زبان فرانسه را نزد مبلغین مذهبی در مدرسه فرانسوی تبریز آغاز کرد و در طول دوره سلطنت خود، تحت نظر دکتر کلوکه، معتمدالملک و اعتمادالسلطنه ادامه داد (ر.ک مباحث فرهنگی

عصر ناصری، ۱۳۸۰). بدینسان تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب‌های فرانسه از جمله «جنگ بین آلمان و فرانسه» و «جنگ بین ترکیه عثمانی و روسیه» در زمینه‌های متعدد در نیمه دوم قرن نوزدهم به زبان فارسی برگردانده شدند.

مدارس آمریکایی نیز با رویکرد کمک به مدارس تهران، کمکهایی داشتند و به اشاعه آثاری در نهادهای علمی ایران داشتند. آنها کمک‌های خود را به صورت نقد و یا به صورت کتابهای درسی و روزنامه و نشریه به مدرسه تربیت تهران می‌فرستادند (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۲۰).  
(و دخالت دادن فارغ‌التحصیلان در امور آموزشی مدارس ایرانی:

مدارس خارجی با حمایت از دانش‌آموختگان خود، آنها را در امور مختلف کشور به ویژه برای تدریس در مدارس ایرانی دخالت می‌داد. بسیاری از دانش‌آموختگان مدارس آلیانس در مشاغل دولتی وارد شدند و در برخی شهرها در مدارس تدریس نیز داشتند (خمامی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۹). در گام نخست مدارس غربی بر آن بودند تا فرهنگ خود را گسترش دهند، اما در پی این نیز بودند تا آموزش و تربیت اقلیت‌های دینی را فراتر از آموزش کودکان مسلمان در پیش گیرند و آنها را بر مسلمانان فایق گردانند. موفقیت آلیانس در آموزش به دانش‌آموزان کلیمی قابل توجه بود و بسیاری از آنان پس از اتمام دوران تحصیل جذب نظام آموزش نوین می‌شدند و برخی نیز در مدارس استخدام می‌شدند (مظفری و همکاران، ۱۴۰۰: به نقل از ساکما، ۱۱۶۳۲، ۰۲۹۷).

### تأثیرات ظاهری و فنی

الف) الگوبری از بنا و برنامه‌های مدارس خارجی:

یکی از آثار وجود مدارس خارجی، الگوبری بانیان در ساخت و ساز بنای مدارس ایرانی بوده است. گرایش و روی آوری ایرانیان به فرانسویان سبب گردید که تا در آستانه مشروطیت به برپایی آموزشکده‌هایی به سبک مدارس فرانسوی اقدام کنند (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۱۱۷). در دوره قاجار، مجموعه‌ای از مدارس نوین ایرانی همچون دارالفنون، نظامی، رشديه و... با ساختار و الگوی غربی تاسیس می‌شد (همان، ۱۲۸).

ب) دخالت در نظام آموزشی مدارس:

برخی از مدارس خارجی برای پیشبرد اهداف فرهنگی و سیاسی خود هیچ رقیبی را بر نمی‌تابیدند و سعی در بی‌اعتبارسازی برنامه‌ها و نظام آموزشی مدارس ایرانی شدند. اقدامات مدرسه آلیانس در همین راستا ارزیابی می‌شود. مدرسه آلیانس با برانگیختن شاه و مقامات درصدد برآمد تا از پاگرفتن مدرسه دارالفنون و مدرسه سیاسی جلوگیری کند. این اقدامات

چنان اثرگذار بود که فارغ‌التحصیلان دارالفنون نه زبان را به خوبی می‌آموختند و نه در ادارات پذیرفته می‌شدند؛ چنانکه یکی از آنها گفته است «اگر کسی دو کلمه فرانسه می‌گفت یا سؤالی می‌کرد، پس از هشت سال تحصیل نمی‌فهمیدم و قادر به جواب گفتن نبودم» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷).

از جمله نتایج مهم فعالیت‌های آموزشی انجمن ملی ایران و آمریکا نیز تحت تاثیر قرار دادن و متمایل ساختن جهت‌گیری وزارتخانه‌های خارجه و معارف به سوی آمریکا بود (استادوخ، ۱۳۲۸ ق: ک ۲۰، پ ۳، ش ۱). برخی از سیاستمداران ضمن تاکید بر ضرورت گسترش روابط با آمریکا (استادوخ، ۱۳۳۶ ق، ک ۲۱، پ ۱ ش، ۳۱) توصیه می‌کردند که جماعتی از ایرانیان در مدارس آمریکا تربیت شوند و مدارسی به سبک نظام تربیتی آمریکا در سراسر ایران تاسیس شود (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱ ش، -۱۶ ۱۴).

### اثرات سیاسی

تأثیرات سیاسی آموزش مدارس خارجی، به معنای میزان دخالت تعلیم و آموزشهایی است که در مسیر تربیت افراد یا نهادهای سیاسی اثرگذار بوده است.

الف) پرورش سیاستمداران:

از آثار مهم تاسیس مدارس خارجی را می‌توان در تربیت سیاستمداران دانست که در این مدارس به تحصیل پرداختند. مدرسه «سن لویی» که در سال ۱۲۷۹ ق. در تهران تاسیس شد، در خود افرادی را پروراند در رده سیاستمداران مشهور قرار گرفتند (آرین پور، ۱۳۸۲). مدرسه بوره به عنوان دومین مدرسه خارجی در ایران بود که مهد علیا فرزندش ناصرالدین میرزای ولیعهد را برای یادگیری زبان فرانسه به این مدرسه فرستاد. رویکرد این مدارس در جذب شاهزادگان و سیاستمداران، به اهداف سیاسی کشورها بازمی‌گردد. به‌طور مثال کشور فرانسه در راستای اهداف استعمارگرایانه خود برای نفوذ در بسیاری از کشورها به ویژه در رقابت با انگلیس و روسیه، راهبرد فرهنگی را سرلوحه کارهای خود قرار داد. به نظر می‌رسد چنین رویکردی در ایران و با تاسیس مدارس متعدد پاسخ داد؛ چرا که «نه تنها بسیاری از شاهزادگان، سیاستمداران و اعیان؛ بلکه بسیاری از دانش‌آموختگان آن روز ایران فرانکو فیل شده بودن» (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۱۲۰). این رویکرد می‌توانست موانع موجود در مقابله با یک جامعه سنتی را رفع کند. گسترده شدن فعالیت فرانسه در این زمینه چنان بود که صدای رقیبان خود را هم درآورد. سفیر دولت انگلیس نوشته است: «... نفوذ فرانسوی‌ها کماکان در



پایتخت ایران مشهود بود. سیاستمدارها، سربازها، مردان عالم فرانسوی، فعالان سرگرم کار خود بودند. ما در خواب بودیم و آنها تلاش و کوشش می‌کردند» (نظام‌مافی، ۱۳۸۰: ۱۹۸).  
 ب) ایجاد زمینه‌های منفعت‌گرایانه:

روی آوری بسیاری از شاهزادگان و سیاستمداران قاجاری به سیاست برخی از دولت‌های خارجی، منشأ تربیتی و نوع آموزش آنها داشت. به عنوان نمونه محمدشاه به زبان فرانسوی علاقه داشت؛ چرا که دست‌پرورده معلم فرانسوی به نام «مادام دولامارینه» بود و آموزش‌های این معلم سبب شد تا محمدشاه دوستدار فرانسه شود؛ از این روی افرادی مانند میرزا ملکم -از سیاستمداران و روشنفکران به نام دوره ناصری- را به فرانسه اعزام می‌کرد (ناطق، ۱۹۸۹: ۱۰۷). این عشق و علاقه تنها به حالت دوستی باقی نماند؛ بلکه محمدشاه قاجار، برای اثبات محبت خود به فرانسویان و به جهت اهداف سیاسی و اقتصادی که در نظر داشت، فرمانی صادر کرد که طبق آن، به کلیه فرانسویان کاتولیک مقیم ایران آزادی کامل داد. از آن پس، کاتولیک‌ها اجازه داشتند در هر جا که تمایل داشته باشند برای خود مدرسه و... بسازند و حتی از لحاظ حقوق اجتماعی مانند سایر رعایای ایران باشند (کجباف و دهقانیان، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۲۷).

این علاقه سبب می‌شد که بسیاری از سیاستمداران نیز با کمک مالی و معنوی خودآگاه یا ناخواسته در ترویج منافع سیاسی و فرهنگی این کشورها گام بردارند. مدرسه منسوب به آلیانس در تهران با جذب سیاستمداران قاجار و در راستای گسترش فرهنگ فرانسه علاوه بر دریافت مبالغی هنگفت، توانست طی مذاکراتی در سال ۱۳۲۹ ق زمین وسیعی را از ناصرالملک نایب السلطنه برای بنای دانشگاه دریافت نماید (غفاری، ۱۳۶۸: ۱۷۶). حتی در زمانی که این مدرسه در دوره ناصری مدتی تعطیل شد، بر اثر نفوذ مسئولین این مدرسه بر شاه، «عشق حقیقی اعلیحضرت به مملکت فرانسه، بر سوءنیت بدخواهان غلبه کرد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۱۸۸) و دوباره این نهاد گشایش یافت.

مدارس آمریکایی نیز در جلب نظر سیاسیون کوشیدند. در ذکر اهمیت مدارس میسیونری و تاثیر آن بر نگرش دولتمردان قاجار همین بس که علی اصغرخان اتابک در سال ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۱ ق همراه با هیئتی عازم آمریکا شده بود در گفتگو با یک خبرنگار آمریکایی گفته بود «... امیدوارم اثری از ساختار نظام آموزش و پرورش آمریکا در ایران داشته باشیم بیش از این مبلغین مذهبی آمریکایی در تهران و همدان، مدارس آمریکایی و کلیسا دایر

کردند و برای همین تا اندازه‌های با مدارس شما آشنا هستیم...» (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۸۶-۸۸).

(ج) مقابله با نفوذ رقیبان:

یکی از کارکردهای اساسی مدارس خارجی در ایران، جلوگیری از فعالیت رقبا و به نحوی جنگ خارجیان بود که از مسیر تاثیرگذاری بر نظام آموزش و پرورش ایرانیان می‌گذشت. اینکه بسیاری از دیپلمات‌ها و دولتمردان فرانسوی در ایران به آلیانس پیوستند و میسیونرها و معلمان فرانسوی عضو فعال آن بودند، به خاطر این بود تا این کانون بتواند با نفوذ سیاسی روسیه و انگلیس در ایران مقابله و با آنها رقابت کند؛ به همین علت، به خاطر منافع سیاسی ناشی از آن، دولت فرانسه همواره با بودجه کافی از این انجمن حمایت می‌کرد (ام رینگر، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

### نتیجه گیری

براساس یافته‌ها، نتایج ذیل به دست آمده است:

شکست‌های ایران از روسیه بر تغییرات فکری و آموزشی ایران نیز تأثیر گذاشته است و زمینه ورود نهادهای دینی و فرهنگی را فراهم ساخت. مدارس که نقش مهمی در فرایند آموزش و تربیت و سپس عامل اساسی برای ایجاد بستری در جهت پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی دارند، برای غربی‌ها مورد توجه بود. از این روی تاسیس مدارس غربی با تکیه بر آموزش فرهنگ غرب و آموزش زبان خارجی جزوی از فعالیتهای دولتهای غربی قرار گرفت. با وجود مدرسی از کشورهای آلمان، انگلیس، روسیه و آمریکا، این مدارس فرانسوی بودند که نقش عمده‌ای در تاثیرپذیری نظام آموزش ایران داشتند.

از میان اطلاعات و اسناد موجود، مهمترین تاثیر پذیری نظام آموزشی ایران در دوره قاجار در ابعاد دینی، سیاسی، علمی و فنی بیش از هر چیز دیگری نمود یافت.

هر چند برای مدارس غربی در ایران امتیازات و تأثیرات مثبت نیز می‌توان در نظر گرفت، اما با پژوهش حاضر این نتیجه حاصل شد که تأثیرات منفی تأسیس مدارس غربی در نظام تعلیم و تربیت ایران کم نیست؛ از جمله تغییر نگرش فکری، جذب در مرام‌های دینی و تامین منافع و سیاست‌های متبوع کشورهای خود از مهمترین تأثیرات مداخلات مدارس در نظام آموزشی ایران بوده است.

ورود دختران و بانوان ایران به مدرسه برای دمیدن به ایجاد جامعه سنتی - مدرن جزو یکی از اقدامات تاثیرگذار نظام تربیتی غرب و جزو تاثیرات فزاینده در نظام تربیتی ایران دوره قاجار بوده است. هرچند قدم‌های آغازین در مورد مدارس دخترانه به شدت کند بود؛ اما از حضور دختران و شناسایی حق آموزش برای آنها تا تشکیل ساختارهای اداری آموزش و پرورش و تدوین کتب درسی اقداماتی بود که تحت تاثیر مدارس غربی در ایران به تدریج انجام می‌پذیرفت.

همچنین داشتن سلسله‌ای از خواص و سیاستمداران با نفوذ در جهت جلب منافع غرب جز از مسیر تعلیم و تربیت نخواهد گذشت؛ از این روی باید مدارس غربی تا حد ممکن با استفاده از کلیدواژه پیشرفت به جذب این عناصر از طرق مختلف اقدام کنند. راه‌هایی همچون ثبت نام و دعوت از شاهدگان به مدارس غربی و فاصله انداختن میان آنها و مدارس ایرانی، ایجاد برنامه‌های درسی در فراگیری زبان و ادبیات غربی، معرفی معلمان خصوصی از میان تابعیت‌های خارجی و... جزوی از تاثیرگذاری مدارس خارجی در نظام آموزشی دوره قاجاریه بوده است. با این رویکرد این دریافت حاصل شد که مدارس خارجی تنها مختص تحصیل اتباع خود نبودند و طبقات صاحب‌نفوذ و ثروتمند ایرانی نیز می‌توانستند فرزندان خود را به این مدارس بفرستند.

در میان تمام تاثیرات مدارس خارجی بر ساختار آموزشی و تربیتی ایران، دور کردن دانش آموزان و دانش پژوهان ایران از مسلک دینی و گسترش مفاهیم فرهنگ غرب در میان آنان بوده است. جذب دانش آموزان مسلمان، ارائه زبان خارجی به عنوان ماده درسی اجباری در مدارس نوین ایران، تربیت، حمایت و استفاده از مدرسان وابسته، تضعیف کردن برنامه‌ها و دروس مدارس ایرانی و... در این زمینه قابل تطبیق است.

## منابع

- آدمیت، فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانونی در عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۶.
- آدمیت، فریدون، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران: چاپ پدیده، ۱۳۶۳.
- آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۴۰.
- آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲.
- احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش مهدی موسوی، تهران: زوار، ۱۳۶۷.
- اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۶ق.
- اقبال، عباس، داستانی از مبلغان مسیحی در ایران، مجله یادگار، دوره ۳، شماره ۶ و ۷، ۱۳۲۵.
- الدر، جان، تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: انتشارات نور جهان، ۱۳۳۳.
- ام رینگر، مونیکا، آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- اوبن، اوژن، ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۴.
- ایران و جنگ جهانی اول، مجموعه مقالات سمینار به کوشش صفا اخوان، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰.
- بهرامی، نیکخواه و همکاران، «زبان فرانسه در ایران (پیشینه و موقعیت کنونی)»، رشد آموزش زبان، دوره ۲۶، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- پاک‌سرشت، محمدجعفر، «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران»، نوآوریهای آموزشی، سال ۶، شماره ۲۰، ۱۳۸۶.
- تافلر، الوین، شوک آینده، ترجمه حشمت‌الله کامرانی، تهران: نشر نو، ۱۳۷۲.
- ثنایی، کامران و رسولی، حسین، «میسوین کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری آمریکا در ساوجبلاغ مکری (از ۱۹۱۱م/۱۲۹۰ش تا ۱۹۳۷م/۱۳۱۶ش) (با تکیه بر مطالب ماهنامه کردستان میسنری)»، جستارهای تاریخی، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۴۰۱.
- خالدی، مصطفی، نقش کلیسا در ممالک اسلامی، قم: پیام اسلام، ۱۳۵۱.
- خمامی‌زاده، جعفر، تاریخ آموزش و پرورش گیلان، تهران: سنا، ۱۳۸۴.

- دوسرسی، کنت، ایران در ۱۳۹-۱۸۴۰ (سفارت فوق العاده کنت دوسرسی)، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- رامتین، حسین، آمریکایی‌ها در ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۱.
- رحمانیان، داریوش و جهانی، فرشته، «بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه (با تکیه بر مطبوعات دوره قاجاریه)»، جستارهای تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- ساعتچیان، علیرضا، ایرانیان از نگاه آمریکاییان (ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا)، تهران: انتشارات پارسه، ۱۳۹۷.
- سرمد، غلامعلی، عزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)، نشر بنیاد، ۱۳۷۲.
- سلطانیان ابوطالب، «چگونگی نفوذ و گسترش زبان فرانسه در ایران، با تکیه بر نقش مدارس (از آغاز دوره قاجار تا جنگ جهانی یکم)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- سلطانیان ابوطالب، «کارکرد نهادهای آموزشی فرانسه در ایران از اوایل دوره قاجار تا جنگ جهانی اول»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره ۴۳، ۱۳۸۹.
- غفاری، ابوالحسن، تاریخ روابط ایران و فرانسه (از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱، ترجمه حسین نورصادقی، بی‌جا: چاپخانه روزنامه نقش جهان، ۱۳۲۴ش.
- فلنون، فرانسوا، مکتوب به آدمی، ترجمه یحیی دولت آبادی، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۱.
- فوریه، ژوانس، سه سال در دربار ایران (۱۰۳۹-۱۳۰۶ قمری)، ترجمه عباس اقبال، تهران: علم، ۱۳۸۵.
- کجباف، علی اکبر و دهقان‌نژاد، مرتضی، «میسسیونرهای فرانسوی در اصفهان عصر قاجار»، فرهنگ، شماره ۶۷، ۱۳۸۷.
- مارشال، جیمز، نظر فوکو در باب تنبیه، خسروباقری، مجموعه مقالات دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نقش هستی، ۱۳۷۵.
- مباحث فرهنگی عصر ناصری، برگرفته از روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، موسسه تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.

- مجله بهار، شماره ۲، ۱۳۲۸.
- مظفری، پرستور و همکاران، «شکل‌گیری مدارس فرانسوی در سنج اوایل عهده قاجار (۱۳۳۱-۱۳۱۰)، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ۱۲، شماره ۲۹، ۱۴۰۰.
- معمدی، اسفندیار، اصفهان: مدارس نوین و مفاخر آن، اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.
- ناطق، هما، ایران در راهیابی فرهنگی، پاریس: خاوران، ۱۹۸۹.
- ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران: انتشارات معاصر پژوهان، ۱۳۸۰.
- ناهید، عبدالحسین، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز: احیاء، ۱۳۶۰.
- نظام‌مافی، محمدتقی، ایران و انگلیس، کرشمه روابط سیاسی، تهران: انتشارات سیامک، ۱۳۸۰.
- والدبورگر، آندراس، مبلغان آلمانی در ایران، ترجمه علی رحمانی و همکاران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

Bulletin, (1911). de *l'Alliance française*, Paris: 124, 15av.

Naraghi, E. (1992). *Enseignement et changement sociaux en Iran* (du XVII au XXe siecle). Paris : La Maison des Sciences de l'Homme.

## **The effects and results of the establishment of Western schools in the educational and upbringing structure of Iran during the Qajar period**

### **Abstract**

In the Qajar era, the education system entered a new stage of change and development in the educational structure, which was significantly different from the previous era. The formation of modern educational institutions in Iran took shape as the emergence of the educational reform movement in the Qajar era; as the history of the establishment of Western educational institutions and schools in Iran dates back to the nineteenth century and the Qajar era. Part of the entry of educational institutions into Iran during the Qajar era was overshadowed by the establishment of Western schools. Therefore, the modern educational system in Iran was not unrelated to Western countries. During this period, important schools were established under the auspices of Western countries, including France, Germany, England, Russia and the United States, for example; The French schools (Alliance and Lazarist schools) are noteworthy. The main question is what are the main reasons for the establishment of many schools in the Qajar period and what effects could they have on the structure of education and training as well as Iranian society? The hypothesis of the problem is based on the fact that Western countries such as France, Russia, England, and America needed a deep influence in order to attract elites and politicians and implement their colonial policies in Iran, which was possible through the training of forces under their command. Accordingly, they tried to pursue this goal by establishing schools. In this study, the role of Western schools in the educational and training structure of Iran during the Qajar era has been examined using a descriptive-analytical method. The findings show that part of the effects of such schools is the possibility of education for girls of religious minorities and their separation from Muslims. Also, encouraging the presence of women in schools and modeling teaching methods and compiling textbooks are other goals of Western schools in the country.

**Keywords:** Western schools, education, training, Iran, Qajar period